

رفیقِ روی پیکار



خاطرات اسماعیل یکنایی
گفتگو و نگارش: مصطفی و عبد الله

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر فرهنگ و مطالعات بایرداری مراکز استانی اگیلان



رقص روی یک پا

خاطرات اسماعیل یکتایی

مصطفی مصیب زاده

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه (چاپ اندیشه)

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۴۱۴-۰۰

سروشاسه: یکتایی، اسماعیل

عنوان: نام پدیدآور: رقص روی یک پا: خاطرات شفاهی اسماعیل

یک / گفتگو و نگارش: مصطفی مصیب زاده؛ (آیه سفارش)

هوزه: استان گیلان

مشترکات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۶

ه خصاصات: ۵۱۱ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۴۱۴-۰۰

وضعیت: در دسترس

موضوع: یکتایی، اسماعیل

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۱- آزادگان- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-89 - Recalled Memories - Diaries

شناسه افزوده: مصیب زاده، مصطفی، ۱۳۵۹ -

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، استان گیلان

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ی ۸۷/۱۶۲۹/۵۵۵

رده بندی دیویی: ۹۲۰۸۴۳/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۵۵۶۴۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشیدیه پیر

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بختی (پنج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۵۱

www.sooremehr.ir

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

یادداشت نویسنده

دفاع مقدس بحث بزرگ از تاریخ این مرز و بوم است، آنقدر بزرگ که اگر بگویم به اندازه تمام تاریخ ایران حرف دارد، زیاده‌گویی نکرده‌ام. حال سوال اینجاست که دفاع مقدس را می‌توان نوشت و یا می‌توان به تصویر کشید؟ شاید نه؛ مگر اینکه در دل آدم‌هایی باشیم که خودشان دریا دل بودند و میان معرکه حاضر داشتند.

اسماعیل یکتایی لنگرودی یکی از همسران آملی است که با حضور در فضاهاى مختلف، جنگ را با گوشت و پوست خود لمس کرده است. آشنایی من با یکتایی به دی ماه سال ۱۳۸۸ در تهران، روزی که آقای محمد پرحلم دست من را گرفت و برد و پای صحبت‌های ایشان نشاند.

اسماعیل یکتایی دوسال و نیم از عمر خودش را در اردوگاه‌های عراق سپری کرد. کسی که حتی در دوران اسارت هم امید را از یاد نبرد و با وجود تمام فشارها و شکنجه‌ها، تا جایی که می‌توانست زندگی را برای خود و هم‌بندانش آسان کرد. یکتایی در طول دوران اسارت درس خواند و درس داد، شکنجه شد و خم به ابرو نیاورد، اما تهمت



همدستی با بعضی ها آن هم از طرف خودی ها روحش را آزرد. یکتایی تا آخرین لحظه مبارزه کرد و به امید آزادی روزهای تلخ تنهایی را پشت سر گذاشت تا شهریور ماه ۱۳۶۹ که لحظه رهایی فرا رسید. اما انگار اسماعیل دل بازگشت نداشت، انگار چیزی از او در خاک عراق جا مانده بود.

برای نخستین بار که پای حرف های او نشستم با خودم گفتم مگر می شود فردی پس از گذشت این همه سال اتفاقات را اینطور با جزئیات به یاد داشته باشد. اما هر چه پیش رفتیم بیشتر به این آرزوی دیرینه پی بردم. یکتایی خودش جزء نخستین کسانی است که در سرگرمی، ریشه شفاهی اسارت دست به قلم برده و در سال ۱۳۷۰ بخش کوچکی از - طرات دوران اسارتش را به چاپ رسانده است؛ گذشته از این باب بیس از شش عنوان کتاب دیگر در کارنامه کاری ایشان به چشم می خورد.

کمی که جلو رفتیم به سایر شیوایی کلام وی کار برایم چنان شیرین شد که دوست داشتم هر روز پای صحبت ایشان بنشینم. حرف هایی که از دل برمی آمد و بر دل می نشست تا گویی داستان زندگی خود را مرور می کنم.

رقص روی یک پا حاصل پنجاه ساعت ثبت خود، دفتر کار جناب آقای یکتایی است. در این اثر سعی شده است بدوز دخا و تصرف در گفته های راوی و با نهایت امانت داری و همچنین با ریاض ساده و روایت محور پیش برویم. خاطرات پیش رو صرفاً چیدن کلمات در کنار یکدیگر نبوده، بلکه همواره سعی بر رونمایی و شناساندن بخش کوچکی از تاریخ این مرز و بوم است. تاریخی که ریشه در اعتقادات ما دارد و شناخت زوایای پنهان آن می تواند مردم این سرزمین را



با بخشی از تاریخ دفاع مقدس کشورمان آشنا کند. از همین رو با وسواسی خاص در پرداختن به فضاها و شخصیت‌ها سعی شده است تا مخاطب همراه شخصیت‌های روایت پیش برود.

این کتاب دسترنج من تنها نیست؛ که دوستانی در پیمودن این راه یار و یاور من بودند. بر خود واجب می‌دانم به رسم ادب تقدیر و تشکر فراوان نثار این دوستان کنم. ابتدا خود اسماعیل یکتایی که در تمام این سال‌ها از آن روزهای اسارت صبوری کرد و ما را همواره با رویی گشاده پذیرفت محمد پرحلم که به من اعتماد کرد و در مدت تکمیل این پروژه فدای قدم دست مرا گرفت و بی دریغ کمک‌رسان من بود و تمام دوستان و همکارانم که هر کدام به نوعی یاری رسان بودند و با راهنمایی‌های مفید و موثر در پیشبرد کار یاری‌ام کردند.

مصطفی مصیب‌زاده

بهار ۹۶